



پڑھنے اور تعلیمات
وزارت ذمہ دار اور اسلامی

زیبایے شناسے پوشاک زنان

پس از انقلاب اسلامے ایران

سیدہ راضیہ یاسینے

هو الجميل ◦

زیبایی‌شناسی پوشاک زنان
پس از انقلاب اسلامی ایران

سیده راضیه یاسینی



سرشناسه	: یاسینی، سیده‌راضیه، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور	: زیبایی‌شناسی پوشاک زنان پس از انقلاب اسلامی ایران سیده‌راضیه یاسینی.
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۵۳۵ ص.: مصور، جدول، نمودار.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۲۵۲-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۴۹۳-۵۲۱.
موضوع	: پوشاک زنانه -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۰ق-۱۴
موضوع	: Women's clothing -- Iran -- History -- 16th-20th century
موضوع	: پوشاک زنانه -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	: Women's clothing -- Iran -- Social aspects
موضوع	: پوشاک زنانه -- ایران -- جنبه‌های سیاسی
موضوع	: Women's clothing -- Iran -- Political aspects
شناسه افزوده	: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات
شناسه افزوده	: Institute for Research of Culture, Art and Communication
رده بندی کنگره	: GT1۷۲۰
رده بندی دیویی	: ۳۹۱/۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۳۴۴۳۹



ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: زیبایی‌شناسی پوشاک زنان پس از انقلاب اسلامی ایران

نویسنده: سیده راضیه یاسینی (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات)

ویراستار: ناصر احمدزاده-مهناز احدی

صفحه‌آرا: حسین آذری

طراح جلد: سیده راضیه یاسینی

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۲۵۲-۶



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴-۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

• **شماره (۲۱)**

تقدیم به مادر، نیک بانوی زندگانیم

و

تقدیم به دختران و زنان سرزمینِ پاک ایران

خواننده گرامی؛

در کتاب پیش رو این امکان فراهم شده است تا از طریق اسکن کد الکترونیکی مندرج در این صفحه، به تصاویر رنگی کتاب دسترسی داشته باشید.



فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱
مقدمه.....	۳
کلیات.....	۱۱

فصل نخست: نظری بر تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در گفتمان‌های سیاسی حاکم از صفویه تا انقلاب اسلامی

مقدمه.....	۳۳
۱- تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان دوره صفوی.....	۳۹
۱-۱- گفتمان سیاسی اجتماعی و تعامل دین و حاکمیت در دوره صفوی.....	۳۹
۱-۲- عوامل تأثیرگذار بر نوع پوشاک زنان در دوره صفوی.....	۴۲
۱-۳- زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در دوره صفوی.....	۴۵
۱-۴- پوشاک زنان اقلیت‌های دینی.....	۵۲
۱-۵- تأثیر گفتمان حاکم صفوی بر پوشاک زنان.....	۵۵
۲- تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان دوره افشار.....	۵۷
۲-۱- گفتمان سیاسی اجتماعی و تعامل دین و حاکمیت در دوره افشار.....	۵۷
۲-۲- پوشاک زنان در دوره افشار.....	۵۸
۳- تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان دوره زند.....	۵۹
۳-۱- گفتمان سیاسی اجتماعی و تعامل دین و حاکمیت در دوره زند.....	۵۹
۳-۲- پوشاک زنان در دوره زند.....	۶۱
۴- تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان دوره قاجار.....	۶۴
۴-۱- گفتمان سیاسی اجتماعی و تعامل دین و حاکمیت در دوره قاجار.....	۶۴
۴-۲- پوشاک زنان در دوره قاجار.....	۶۷
۴-۳- پوشاک زنان اقلیت‌های دینی.....	۷۱
۴-۴- تأثیر گفتمان قاجار بر پوشاک زنان.....	۷۲
۵- تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان دوره پهلوی.....	۷۴
۵-۱- گفتمان سیاسی اجتماعی و تعامل دین و حاکمیت در دوره پهلوی.....	۷۴
۵-۲- عوامل تأثیرگذار بر نوع پوشاک زنان در دوره پهلوی.....	۷۶
۵-۳- زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در دوره پهلوی.....	۷۷

- ۴-۵- تأثیر گفتمان پهلوی بر پوشاک زنان ۸۱
۶. نتیجه: تأثیر دین و دولت بر پوشش زنان، پیش از انقلاب اسلامی ایران ۸۷

فصل دوم: تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در دوره‌گذار انقلابی (۱۳۵۷-۱۳۵۹)

- مقدمه ۸۹
۱. ایران پس‌انقلاب اسلامی و تعامل دین و قدرت ۹۲
۲. تأثیر گفتمان سنت‌گرای دینی بر پوشاک و پوشش اسلامی زنان ۹۴
- ۱-۲- پوشاک زنان در اواخر دوره پهلوی دوم ۹۴
- ۲-۲- پوشاک زنان در ضمن مبارزه تا پیروزی انقلاب اسلامی ۹۶
۳. چالش پوشاک و پوشش اسلامی زنان در دوره‌گذار انقلابی ۹۸
۴. گفتمان حاکم و پوشش اسلامی زنان ۱۰۳
۵. گفتمان احزاب انقلابی با گرایش‌های غیراسلامی (گفتمان رقیب) و پوشش اسلامی زنان ۱۱۲
۶. نتیجه: تأثیر آرمان‌گرایی انقلابی بر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ ۱۱۷

فصل سوم: تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در دوره ارزش‌گرایی/دفاع مقدس (۱۳۶۷-۱۳۵۹)

- مقدمه ۱۲۵
۱. گفتمان ارزش‌گرایی/دفاع مقدس ۱۲۶
۲. تأثیر گفتمان ارزش‌گرایی بر پوشاک و پوشش اسلامی زنان ۱۲۸
۳. بازنمایی پوشاک زنان در تلویزیون و فیلم‌های سینمایی در دوره ارزش‌گرایی/دفاع مقدس ۱۳۰
- ۱-۳- بازنمایی پوشاک و پوشش زنان در تلویزیون ۱۳۲
- ۲-۳- بازنمایی پوشاک و پوشش زنان در فیلم‌های سینمایی ۱۳۳
۴. مقاومت گفتمان رقیب ۱۳۳
۵. تثبیت همگون‌سازی پوشش اسلامی زنان در دوره ارزش‌گرایی/دفاع مقدس ۱۳۴
۶. بازنمایی پوشاک و پوشش زنان در میدان گفتمانی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ۱۳۶
- ۱-۶- زیبایی‌شناسی پوشاک زنان براساس الگوی پوششی گفتمان ارزش‌گرا ۱۳۶
- ۲-۶- زیبایی‌شناسی پوشاک و پوشش زنان در حوزه عمومی ۱۴۲
۷. زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در میدان گفتمانی سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ۱۴۵
- ۱-۷- خوانش زیباشناختی گفتمان ارزش‌گرا از پوشاک و پوشش زنان ۱۴۵
- ۲-۷- خوانش زیباشناختی گفتمان رقیب از پوشاک و پوشش زنان ۱۵۰
۸. نتیجه: تأثیر قدرت ایدئولوژیک بر زیبایی‌شناسی پوشاک و پوشش زنان در دوره ارزش‌گرایی ۱۵۳

فصل چهارم: تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان دوره پساچنگ/سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۷)

- مقدمه ۱۶۳
۱. گفتمان سازندگی و مؤلفه‌های آن ۱۶۵
- ۱-۱- تعامل دین و دولت در گفتمان سازندگی ۱۶۷
۲. تطوّر جایگاه فرهنگی، اجتماعی و حقوقی زنان در آستانه و در دوره سازندگی ۱۶۹
۳. تأثیر گفتمان سازندگی بر پوشاک و پوشش اسلامی زنان ۱۷۷

۱۷۷.....	۳-۱- دال پوشش اسلامی در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸
۱۷۷.....	۳-۲- دال پوشش اسلامی در سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶
۱۸۲.....	۴. بازنمایی پوشاک و پوشش اسلامی زنان در دوره‌ی سازندگی
۱۸۲.....	۴-۱- بازنمایی پوشاک و پوشش زنان در تلویزیون و کتاب‌های درسی
۱۸۶.....	۴-۲- بازنمایی پوشاک و پوشش زنان در فیلم‌های سینمایی
۱۸۸.....	۵. لباس و پوشاک زنان در بازار مصرف
۱۹۱.....	۶. زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در میدان‌گفتمانی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶
۱۹۱.....	۶-۱- خوانش زیباشناختی گفتمان حاکم از پوشش و پوشاک زنان
۲۰۱.....	۶-۲- خوانش زیباشناختی گفتمان رقیب (ارزش‌گرا) از پوشاک زنان
۲۰۶.....	۷. نتیجه: تأثیر بسط گفتمان توسعه بر پوشش اسلامی و پوشاک زنان

فصل پنجم: تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان دوره‌ی اصلاح طلبی/ آزادی‌خواهی (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶)

۲۰۹.....	مقدمه
۲۱۰.....	۱. گفتمان اصلاح‌طلبی/ آزادی‌خواهی
۲۱۰.....	۱-۱- تبیین معرفت‌شناختی اصلاح‌طلبی
۲۱۳.....	۱-۲- اصلاح‌طلبی اسلامی
۲۱۴.....	۱-۳- دال‌های مرکزی گفتمان اصلاح‌طلبی
۲۱۵.....	۲. گفتمان سیاسی- اجتماعی و تعامل دین و حاکمیت در دوره‌ی اصلاح‌طلبی
۲۱۷.....	۳. جایگاه فرهنگی- اجتماعی زنان در گفتمان اصلاح‌طلب
۲۱۷.....	۳-۱- زنان و کنشگری اجتماعی در گفتمان اصلاح‌طلب
۲۲۶.....	۳-۲- آموزش و اشتغال زنان در گفتمان اصلاحات
۲۲۷.....	۳-۳- جایگاه زنان در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه
۲۳۲.....	۴. مقاومت گفتمان رقیب
۲۳۶.....	۵. تأثیر گفتمان اصلاح‌طلب بر پوشاک و پوشش اسلامی زنان
۲۳۸.....	۵-۱- زیبایی‌شناسی پوشاک زنان
۲۴۰.....	۵-۲- حدود پوشش اسلامی زنان
۲۴۳.....	۶. بازنمایی پوشاک زنان در تلویزیون، کتاب‌های درسی و فیلم‌های سینمایی در دوره‌ی اصلاح‌طلبی
۲۴۳.....	۶-۱- بازنمایی پوشاک و پوشش زنان در تلویزیون
۲۴۵.....	۶-۲- بازنمایی لباس و پوشش زنان در کتاب‌های درسی
۲۴۷.....	۶-۳- بازنمایی پوشاک و پوشش زنان در فیلم‌های سینمایی
۲۵۰.....	۷. زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در میدان‌گفتمانی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴
۲۵۰.....	۷-۱- خوانش زیباشناختی گفتمان حاکم از پوشش و پوشاک زنان
۲۶۳.....	۷-۲- خوانش زیباشناختی گفتمان رقیب (اصول‌گرا) از پوشاک زنان
۲۷۱.....	۸. نتیجه: تأثیر بسط گفتمان اصلاحات بر پوشش اسلامی و پوشاک زنان

فصل ششم: تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان دوره‌ی اصول‌گرایی/ بازگشت به ارزش‌ها (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴)

۲۷۷.....	مقدمه
۲۷۸.....	۱. گفتمان اصول‌گرایی/ بازگشت به ارزش‌ها

۲۸۰	۱-۱ - اصول‌گرایی و نسبت آن با ارزش‌گرایی
۲۸۱	۲-۱ - دال‌های مرکزی اصول‌گرایی
۲۸۲	۲. تعامل دین با حاکمیت و گفتمان سیاسی - اجتماعی در دوره‌ی اصول‌گرایی
۲۸۷	۳. جایگاه فرهنگی - اجتماعی زنان در گفتمان اصول‌گرا
۲۸۸	۳-۱ - زنان و کنشگری اجتماعی در گفتمان اصول‌گرا
۲۹۰	۳-۲ - آموزش و اشتغال زنان در گفتمان اصول‌گرا
۲۹۴	۳-۳ - جایگاه زنان در برنامه‌ی توسعه‌ی پنجم
۲۹۹	۴. کردارهای گفتمانی حاکم در خصوص پوشش زنان
۲۹۹	۴-۱ - نهادی‌سازی حجاب و عفاف در گفتمان اصول‌گرا
۳۰۳	۴-۲ - تشکیل نهاد مسئول: کارگروه ساماندهی مُد و لباس
۳۰۷	۴-۳ - مواضع سیاسی
۳۰۹	۵. مقاومت گفتمان رقبا و کردارهای گفتمانی آنان
۳۰۹	۵-۱ - اصول‌گرایان حداکثری
۳۱۸	۵-۲ - فمینیست‌ها، اصلاح‌طلبان و کارگزاران
۳۲۱	۶. تأثیر گفتمان اصول‌گرا بر پوشاک و پوشش اسلامی زنان
۳۲۱	۶-۱ - زیبایی‌شناسی پوشاک زنان
۳۳۱	۶-۲ - حدود پوشش اسلامی زنان
۳۳۲	۷. بازنمایی پوشاک زنان در تلویزیون، فیلم‌های سینمایی و کتاب‌های درسی
۳۳۲	۷-۱ - بازنمایی لباس و پوشش زنان در تلویزیون
۳۳۸	۷-۲ - بازنمایی لباس و پوشش زنان در فیلم‌های سینمایی
۳۴۰	۷-۳ - بازنمایی لباس و پوشش زنان در کتاب‌های درسی
۳۴۲	۸. تأثیر گفتمان رقیب بر نوع پوشاک و پوشش اسلامی زنان
۳۴۷	۹. زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در میدان گفتمانی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲
۳۴۷	۹-۱ - خوانش زیباشناختی گفتمان حاکم از پوشش و پوشاک زنان
۳۵۲	۹-۲ - خوانش زیباشناختی گفتمان رقیب از پوشاک زنان
۳۵۷	۱۰. نتیجه: تأثیر سیاست‌گذاری مُد در گفتمان اصول‌گرایی بر پوشش اسلامی و پوشاک زنان

فصل هفتم: تطوّر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان دوره‌ی اعتدال‌گرایی

(۱۳۹۶ - ۱۳۹۲)

۳۶۵	مقدمه
۳۶۷	۱ - گفتمان اعتدال‌گرا
۳۶۷	۱-۱ - اعتدال‌گرایی و نسبت آن با اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی
۳۶۹	۲-۱ - دال‌های مرکزی اعتدال‌گرایی
۳۶۹	۲. گفتمان سیاسی اجتماعی و تعامل دین و حاکمیت در دوره‌ی اعتدال‌گرایی
۳۷۳	۲-۱ - جایگاه زنان در برنامه‌ی توسعه‌ی ششم
۳۷۷	۲-۲ - جایگاه فرهنگی اجتماعی زنان در گفتمان اعتدال‌گرایی
۳۹۲	۳. عوامل تأثیرگذار بر نوع پوشاک زنان در دوره‌ی اعتدال‌گرایی
۳۹۲	۳-۱ - مواضع فکری و سیاسی
۳۹۶	۳-۲ - نمایشگاه‌های پوشاک و جشنواره‌های مُد و لباس
۴۱۲	۴. مقاومت گفتمان‌های رقیب و کردارهای گفتمانی آنان

۵. تأثیر گفتمان اعتدال‌گرا بر پوشاک و پوشش اسلامی زنان ۴۲۸.
- ۵-۱- زیبایی‌شناسی پوشاک زنان ۴۳۵.
- ۵-۲- حدود پوشش زنان در میان سلبریتی‌ها (چهره‌ها) ۴۳۷.
- ۶- بازنمایی لباس زنان در تلویزیون، کتاب‌های درسی و فیلم‌های سینمایی ۴۳۸.
- ۶-۱- بازنمایی لباس و پوشش زنان در تلویزیون ۴۳۸.
- ۶-۲- بازنمایی لباس و پوشش زنان در کتاب‌های درسی ۴۴۱.
- ۶-۳- بازنمایی لباس و پوشش زنان در فیلم‌های سینمایی ۴۴۳.
۷. رویارویی گفتمان رقیب با پوشاک و پوشش اسلامی تنوع‌یافته زنان ۴۴۴.
۸. زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در میدان گفتمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ ۴۴۷.
- ۸-۱- خوانش زیباشناختی گفتمان حاکم از پوشش و پوشاک زنان ۴۴۷.
- ۸-۲- خوانش زیباشناختی گفتمان‌های رقیب از پوشاک زنان ۴۵۴.
۹. نتیجه: تأثیر به حاشیه‌راندن مدیریت دولتی پوشش اسلامی و پوشاک زنان در گفتمان اعتدال ۴۶۴.

فصل هشتم: نتیجه‌گیری

- مقدمه ۴۶۹.
- پوشش و پوشاک و نظام معنایی گفتمانی ۴۷۱.
- مطالعه دالّ پوشاک زنان در میدان منازعات گفتمانی پس از انقلاب ۴۷۱.
- فهرست نمودارها و جدول‌ها ۴۸۹.
- فهرست منابع ۴۹۳.
- نمایه ۵۲۱.

سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با هدف رفع نیازهای پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نزدیک به دو دهه است که با رویکرد مسئله‌محوری به دنبال شناخت مشکلات حوزه فرهنگ و هنر، شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و نیز توسعه قابلیت‌ها در مسیر تعالی فرهنگی کشور است.

این پژوهشگاه، با سه پژوهشکده فرهنگ، پژوهشکده هنر و پژوهشکده ارتباطات در تعامل و همکاری با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه فرهنگ و هنر، ضمن اجرا و نظارت بر طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، اقدام به برگزاری نشست‌ها، همایش‌های علمی، جلسات نقد و گفتگو و نیز جشنواره پژوهش فرهنگی سال می‌نماید.

علاوه بر این، دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه نیز، به‌عنوان متولی انجام مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، ضمن اجرای نظرسنجی‌های موردنیاز، به اجرای پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ مصرف‌کالا‌های فرهنگی؛ سواد رسانه‌ای؛ وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران و سنجش سرمایه اجتماعی کشور اقدام می‌نماید.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تلاش دارد تا مجموعه دستاوردهای پژوهشی خود را با هدف تحقق عدالت فرهنگی و دسترسی همه پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، منتشر نماید. از این‌رو انتشارات پژوهشگاه طی مدت فعالیت خود تاکنون، آثار پژوهشی متعدد و متنوعی را در قالب «کتاب»، «گزارش پژوهش»، «گزارش نظرسنجی» و «گزارش راهبردی» منتشر کرده است. پژوهشگاه همچنین، انتشار فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات

فرهنگ ارتباطات» و نیز چاپ آثار برگزیده جشنواره فرهنگی سال را در کارنامه خود دارد. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ضمن استقبال، تعامل، همکاری و همفکری با استادان، نخبگان و پژوهشگران حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، امیدوار است با انتشار دستاوردهای پژوهشی خود بتواند به «مرجع پژوهش» در حوزه فرهنگ و هنر ایران و نیز پایگاهی برای اندیشمندان و دلسوزان این عرصه تبدیل شود.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

مقدمه

با گذشت حدود چهار دهه از انقلاب اسلامی ایران، موضوع پوشش و پوشاک زنان، همچنان کانون مباحث نظری بسیاری است. اکنون این موضوع، به یک مسئله مهم اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده است. به دلیل این که پوشاک از مقولات فرهنگی هر جامعه بوده و به میزان زیادی مبین ویژگی‌های فرهنگی هر جامعه است، بی‌گمان باید پذیرفت که امروزه پوشاک بخش بزرگی از زنان با آنچه مطلوب نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بوده و بر آن اصرار ورزیده است، فاصله بسیار دارد. ورود به موضوع پوشش و پوشاک زنان به مثابه مسئله‌ای دستوری (سیاستی) و حل آن با تمسک به ابزارهای حاکمیتی، تاکنون ناکارآمدی خود را آشکار ساخته است. تبیین حدود ظاهری پوشش اسلامی زنان برای تحقق شخصیت «زن آرمانی» و بی‌توجهی به سایر وجوه کارکردگرایانه و زیباشناسانه پوشاک موجب شد تا پس از انقلاب، فعالیت شایسته و بایسته‌ای برای بازساخت پوشش ایرانی زنان که مناسب جامعه چندفرهنگی امروز ایران باشد، انجام نپذیرد. چنانچه مقدم معتقد است مناسبات جنسیت در فرهنگ، آرمان‌گرایی، سیاست و جامعه‌های انقلابی، سهم عظیمی دارد و ترکیب «جامعه آرمانی» مستلزم وجود انگاره‌ای از «زن آرمانی» است (فورن، ۱۳۹۰). انقلاب اسلامی نیز با تعریف و ترویج پوشش اسلامی سعی بر آن داشت تا ویژگی‌های زن مسلمان آرمانی را در گفتمان کلان ملی و جهانی خود صورت‌بندی کند. قضاوت در حیطه جهانی این گفتمان و میزان توفیق آن درباره این موضوع در حیطه اهداف و مسئله این پژوهش قرار نمی‌گیرد اما می‌توان به وضوح دریافت که در میدان داخلی

گفتمان انقلاب اسلامی در ایران، موانع زیادی در این مسیر برجاست. یکی از مهم‌ترین مسائل در این باره، برساخت و بازتولید پوشاک مناسب برای زن ایرانی است؛ به‌نحوی که حتی زنانی که همچنان گفتمان ارزش‌گرا را نمایندگی می‌کنند نیز در انتخاب و مصرف فرهنگی پوشاک خود، به اراده و سلیقه مراکز مد جهان وابسته‌اند و بازار پوشاک داخلی نیز رونق‌هایی ملهم از همان مدها را در دسترس ایشان قرار می‌دهد. اکنون به‌درستی می‌توان دریافت که لحاظ نشدن وجوه فرهنگی و هنری پوشاک و توجه به آن به‌مثابه موضوع یا ابزار سیاسی صرف، دلیل اصلی ناکامی در حل مسئله و بازتعریف و تولید پوشاک متناسب با اقتضائات و نیازهای امروز زن ایرانی است.

در پژوهش پیش‌رو، مقصود از پوشاک تنها جامگانی برای محافظت از تن در برابر آسیب‌ها و مخاطرات طبیعی نیست بلکه علاوه‌بر این، بر مفهومی دال بر نشانگانی از فرهنگ‌ها، اقوام، باورهای دینی، اجتماعی یا سنتی مبتنی است. همچنین پوشش، مترادف با پوشاک در نظر گرفته نشده است؛ بلکه به معنی عمل پوشاندن بدن براساس موازین دین اسلام در نظر گرفته شده است. «بررسی‌های نشانه‌شناسانه درباره پوشش و لباس، دال بر معناداری پوشش در قالب نظام نشانه‌ها به‌طور قراردادی است. از این‌رو با توجه به هویت هر نشانه در یک بافت اجتماعی، پوشش را نیز می‌توان دارای هویتی برگرفته از نظام نشانه‌شناسی بافت اجتماعی مربوط به خود دانست» (یاسینی، ۱۳۹۴: ۹۲). به این ترتیب، پوشاک هویت و دلالت فرهنگی دارد. دلالت‌های فرهنگی یا ایدئولوژیک پوشاک را نیز می‌توان با رمزگشایی نظام نشانگانی آن دریافت؛ نشانگانی که در ساختار شکلی و رنگی و دیگر خصایص هر نوع پوشاک وجود دارد. ازجمله این نشانگان، نشانگان زیباشناختی است که غالباً در ظاهر لباس نمود می‌یابد و بر ساختار بصری پوشاک تأثیر می‌گذارد. گرچه می‌توان دلالت‌های زیباشناختی کارکردی را هم برای پوشاک قائل شد؛ زیرا بنابر زمینه‌های فرهنگی گوناگون برای مثال ممکن است پوشیدن لباسی به یک رنگ خاص در یک مراسم واحد از نظر یک قوم یا ملت، زیبا و از نظر قوم یا ملتی دیگر زیبا نباشد. همچنین ممکن است در بستر ایدئولوژیک یک جامعه، نوعی از پوشش، زیبا و در بستر ایدئولوژیک مقابل آن، همان پوشش نازیبا دانسته شود.

ویژگی‌های هویتی پوشاک در هر بستر اجتماعی و فرهنگی، به‌صورت عرف درآمده و موردپذیرش عموم افراد هر جامعه است. به‌عبارتی توافق‌هایی پنهان وجود دارد که براساس آن دلالت‌های فرهنگی یا ایدئولوژیک اعم از زیباشناختی یا کارکردی، از سوی افراد یک جامعه به رسمیت شناخته شده است. با توجه به این امر در هر نوع پژوهش و یا سیاست‌گذاری فرهنگی در مقوله پوشاک باید به عرف اجتماعی در جوامع مورد مطالعه توجه کافی داشت.

برای نمونه در مطالعه زیباشناختی عنصر رنگ در پوشاک، باید به وجه نمادین آن در جوامع فرهنگی مختلف توجه داشت. ویژگی نمادین رنگ سبب می‌شود که پوشاک، به‌مثابه یک عنصر بیانی قوی در تعریف مفاهیم انسانی در تعاملات اجتماعی عمل نماید. در تاریخ اقوام ایران دلالت‌هایی فرهنگی وجود دارد که وجه نمادین رنگ در لباس را بازمی‌نمایاند. «لباس زنان و رنگ آن در میان کردهای خراسان [کرمانج‌ها]، طایفه به طایفه براساس سن و داشتن یا نداشتن شوهر فرق می‌کند؛ مثلاً دامن زرد با روسری ابریشمی ساده بنفش، نشانه‌ای از زن شوهرنکرده، و دامن قرمز با حاشیه راه‌راه و پیچیدن چادر به طرزی خاص به دور خود نشانه‌ای از زن تازه بیوه شده است. دختران تا ۸، ۹ سالگی می‌توانند هر رنگ لباس که دوست دارند، بپوشند اما پس از آن ناگزیر از پوشیدن پوشاک خاص مقرر در ایل هستند» (پاپلی، ۲۰۰۲: ۱۶۵). همچنین «در میان قشقایی‌ها، زنان تمایل به پوشیدن لباس‌هایی با رنگ‌های بسیار زنده و شاد و روشن دارند [...] در همان حال که رنگ لباس نشان زیباشناختی است، اطلاعاتی درباره سن و موقعیت و پایگاه زن قشقایی را هم می‌رساند. مادران و همسران جوان جامه‌هایی به رنگ‌های روشن و روشن‌کم‌رنگ می‌پوشند. پوشیدن جامه‌های نقش‌دار قرمز و رنگ‌های دیگر برای این زنان پذیرفته شده است. زنان سالخورده هم لباس‌های سیاه و خاکستری می‌پوشند» (امیرمعز، ۲۰۰۲: ۲۳۷).

از منظر زیباشناختی - کارکردی، پوشاک متنوع زنان ایرانی در اقالیم جغرافیایی و بافت فرهنگی اقوام گوناگون، نشان‌دهنده آن است که پوشاک سنتی زنانه ایرانی به فراخور قواعد عرفی پذیرفته‌شده در جوامع مختلف، نیازهای گوناگون زنان را در بافت‌های مختلف اجتماعی ایران برآورده می‌ساخت و درعین حال نیاز روانی زیباشناختی آنان را نیز مرتفع می‌کرد. باید توجه داشت که کشور ایران به دلیل برخورداری از تنوع قومی، جامعه‌ای چندفرهنگی است. چندفرهنگی بودن جامعه، موجب آن است تا دلالت‌های فرهنگی گوناگونی در مقوله زیباشناختی و کارکرد پوشاک وجود داشته باشد.

«زنان ایرانی پیش از استحاله در نظام پوششی منبعث از فرهنگ غیرایرانی، لباس‌هایی زیبا، شاد و پوشیده بر تن داشته‌اند که متناسب با شرایط قومی و خرده‌فرهنگ‌های هر یک از نقاط ایران، کارکرد مطلوب فردی و اجتماعی خود را داشته است. اکنون نه تنها کارکرد این نوع از پوشاک، در بسیاری از مناطق ایران و تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اقتصادی تضعیف شده بلکه، غلبه نظام تقریباً متحدالشکل پوششی برای زنان که به مدد رسانه‌های عمومی غالب، از جمله سینما و تلویزیون محقق شده و خود نیز تابعی از سلیق کارگزاران فرهنگی هر دوره است، به نوعی سردرگمی مضاعف درباره اساس چیستی و چگونگی پوشش عفیف و درعین حال زیبای زن ایرانی انجامیده است» (یاسینی، ۱۳۹۴: ۲۳۸).

در تحلیل نظام معنایی گفتمان‌های گوناگون پیش و پس از انقلاب اسلامی شاهدیم که در پوشاک و به‌طور اخص در پوشاک زنان پس از انقلاب، دلالت‌های سیاسی که متضمن نظام قدرت در یک گفتمان بودند، جای‌گزین دلالت‌های فرهنگی پیشین شده‌اند. این درحالی است که جامعه چندفرهنگی ایران، بدون توجه به قواعد زیباشناختی عرفی پوشاک که فهم‌های متفاوتی از پوشانندگی و پوشش را در بر دارد، الگوی واحدی را در پوشاک و یا حدود پوشش‌برنی‌تابد. در بافت‌های گوناگون جامعه ایران، مؤمنان ضمن احترام به هنجارهای دینی، حدود پوشش متناسب با موقعیت جغرافیایی و فرهنگی خاص خود را دارند و در پوشاک، به فراخور سنت‌ها و آیین‌های هر بافت، عرف پذیرفته‌شده (معروف) خاصی وجود دارد. در یک مقایسه، ممکن است حدود و نوع پوشش اسلامی (حجاب) در پوشاک هر کدام از زنان لر، ترکمن و کرد، متفاوت باشد؛ درعین حال، ضمن توجه و باور به حدود دینی در مورد پوشش، الگوهای پوشش شناخته‌شده‌ای (معروفی) در میان اقوام، فرهنگ‌ها و مناطق جغرافیایی گوناگون ایران وجود دارد و توافقی جمعی موجب می‌شود تا از منظر هر قوم، منطقه یا فرهنگ، عرف محلی، مبنای رعایت حریم عفت و پوشش اسلامی باشد. گرچه زنان عرب در جنوب کشور ایران در بیشتر موارد جوراب نمی‌پوشند و زنان گیلانی در شمال، ممکن است روسری را بر پشت گردن گره بزنند؛ در هر دو جغرافیای فرهنگی، پوشش مذکور حیاورزانه دانسته می‌شود.

درخصوص ورود گفتمان‌های غالب پس از انقلاب به موضوع پوشش اسلامی زنان، باید دریابیم که انتظار از پوشش اسلامی، تحقق کارکرد فرهنگی پوشاک و پوشانندگی حیاورزانه آن بوده یا کارکردهای سیاسی و ایدئولوژیک گفتمان قدرت مدنظر قرار گرفته است؟ می‌دانیم که صرف پوشاندن بدن زنانه، حتی با استفاده از پوشش یکسان نیز نخواهد توانست همه دلالت‌های فرهنگی پوشاک منطبق بر ارزش‌های هویتی یک فرهنگ—در اینجا فرهنگ اسلامی ایران— را برای تحقق منش حیاورزانه زن آرمانی بازنمایاند. پس باید به قابلیت حداقلی و حداکثری هرنوع پوشش، از نظر نمود یا پنهان‌سازی جذابیت‌های جنسی توجه داشت. برای تنویر موضوع می‌توان مثالی زد؛ درحالی که سراسر جسم زن ممکن است با یک نوع پوشش چسبان، به‌طور کامل از دید پنهان شود، این به معنی تحقق پوشش اسلامی نیست؛ زیرا جذابیت‌های تن زنانه را به اختفا نمی‌برد. به همین منوال نمی‌توان به‌یقین گفت که پوشاک سراسر سیاه، الزاماً کاهنده جذابیت‌های زنانه است و پوشاک تمام‌رنگی فزاینده آن.

از سوی دیگر، دلالت‌های زیباشناختی پوشاک—جزء جدایی‌ناپذیر آنهاست که به متغیر زمینه‌ها و تفاوت‌های فرهنگی به‌شدت وابسته است. زیبا دانستن ساختار واحدی برای پوشش اسلامی زنان، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و زیباشناختی در جوامع گوناگون زنان

ایرانی، عدم اقبال به این پوشش و یا نقض غرض از کارکرد فرهنگی آن را موجب خواهد شد. چنان که می‌دانیم توجه به اصل انکارناپذیر ضرورت نظر داشت زیبایی در پوشش زنان در پوشاک پیشین اقوام ایرانی، سبب شد تا زنان با تمایلی عمیق از لباس‌های پوشیده استفاده کنند. امروزه در تلقی عمومی، لباسی که مستوری را به همراه داشته باشد، لباسی نازیبا و هر نوع لباس زیبایی، نافی حجاب دانسته می‌شود. بنابراین، توجه به زیبایی‌شناسی پوشش اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی، نه تنها خود امری ضروری است؛ بلکه باید منطبق با بافت‌های فرهنگی گوناگون بدان توجه شده و در این باره، امر معروف شناخته شود. در چنین وضعی می‌توان امید داشت که پوشاکی بر تن زنان در بافت‌ها یا جغرافیاهای فرهنگی گوناگون ایرانی دیده شود که ضمن تحقق پوشش اسلامی، پاسخ‌گوی سایر اقتضائات فرهنگی آن نیز باشد. همچنین علاوه بر زمینه‌های گوناگون دینی، ملی، قومی و جغرافیایی، امروزه جهانی شدن در همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حیات بشر امروز تأثیرگذار بوده و انسان به مرحله‌ای از زیست خود وارد شده است که برخی همچون دیوید هاروی از آن به «پسامدرنیته» و برخی صاحب‌نظران همچون آنتونی گیدنز از آن به «مدرنیته متأخر» یاد کرده‌اند. با گسترش همه‌جانبه ارتباطات از جمله توسعه بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، جامعه امروز ایران نیز در میدان فراخ جهانی دادوستدهای فرهنگی قرار گرفته است. بی‌تردید در این زیست‌جهان جهانی شده، هویت‌های افراد، چهل تکه شده است و نوع پوشش انتخابی آنها از الگوها، منابع و مراجع فرامرزی نیز تأثیر می‌گیرد که جامعه ایران هم از این قاعده مستثنی نیست.

اسلام، دین زیبایی و نیکویی است که در آن، زن مظهر زیبایی دانسته می‌شود. این باور که به شدت از فطرت انسان برمی‌آید، در طلب تسری امر زیبا در حیات مؤمنان و جای‌جای زندگی آنهاست. در این میان است که جایگاه ویژه پوشاک و از جمله پوشاک زنان تعریف می‌شود. اهمیت موضوع در آن است که بنا بر حرمت جایگاه زن از منظر اسلام، زن باید نمایاننده زیبایی پاک و معنوی و به دور از جلوه‌گری فریبنده باشد. این مهم محقق نمی‌شود مگر آنکه زیبایی در پوشش و منش زنان هم‌زمان جلوه نماید و این هر دو مستلزم تلاش عمیق فرهنگی با رویکردی همه‌جانبه است. اکنون به نظر می‌رسد که پس از انقلاب اسلامی و در حوزه پوشاک زنان، تمرکز لازم بر امر مهم زیبایی‌شناسی پوشاک در بستر بافت‌های مختلف فرهنگی ایران و نیز تغییر ذائقه زنان تحت تأثیر تحولات و پویایی‌های جهانی امروز، صورت نگرفته است؛ بلکه تمام همت به عمل آمده، بر کارکرد پوشاندگی آن متمرکز شده و شناخت زیباشناسی پوشاک زنان و کارکرد فرهنگی پوشاک مذکور از این منظر، مغفول مانده است. تأکید امام راحل بر رعایت پوشش اسلامی از سوی زنان در نخستین ماه‌های پس از

انقلاب، بیش از هر چیز با هدف متمایزسازی از گفتمان پهلوی و مظاهر حکومت ضددینی طاغوت انجام پذیرفت؛ زیرا در آن زمان، غالب زنان در ایران پوشش اسلامی داشتند و به آن علاقه‌مند بودند. اما به حاشیه‌راندن نشانگان گفتمان پهلوی در پوشاک زنان که همچنان به دست‌بخش کوچکی از زنان جامعه ایران نمایندگی می‌شد، این ضرورت را ایجاد نمود تا رهبر فقید انقلاب متذکر رعایت پوشش اسلامی شود. شاهد این ادعا آن است که رهنمود ایشان برای زدودن نشانگان گفتمان پهلوی در زمینه‌های مختلف نظام اداری، از جمله محو نمادها و نشانه‌های اداری حکومت پیشین، زدودن رفتارهای تجمل‌گرایانه مدیران دولتی و نظایر آن بود. اما آنچه در این میان برجسته‌سازی و تقویت شد، پوشش اسلامی یا حجاب زنان بود. این تذکار بدان روی است که دریابیم اهمیت هر امر و نوع مواجهه با آن در تناسب با اوضاع و اقتضات زمانی، مکانی و ... است. به عبارتی، هر موضوع را باید در متن یا زمینه خود درک کرد و به اقتضای اوضاع اقدام نمود.

این پژوهش ناظر بر تحلیل زیبایی‌شناختی پوشاک زنان ایران پس‌انقلاب اسلامی با هدف ترسیم تصویری روشن از چگونگی تأثیر گفتمان‌های مختلف بر پوشاک و پوشش زنان است. مفروض این است که تطور پوشاک زنان، متأثر از گفتمان‌های رایج و حاکم در دوره‌های مختلف پس‌انقلاب بوده است. از این رو، پژوهش حاضر در صدد است تا تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر زیبایی‌شناسی پوشاک زنان را در بستر گفتمان‌های حاکم و رقیب شش دوره «گذار انقلابی (۱۳۵۷-۱۳۵۹)»، «ارزش‌گرایی/دفاع مقدس (۵۹۶۷-۱۳۶۷)»، «پس‌انقلاب/سازندگی (۱۳۶۷-۱۳۷۶)»، «اصلاح‌طلبی/آزادی‌خواهی (۱۳۷۶-۱۳۸۴)»، «اصول‌گرایی/ بازگشت به ارزش‌ها (۱۳۸۴-۱۳۹۲)» و «اعتدال‌گرایی (۱۳۹۲-۱۳۹۶)» مطالعه کند.

پژوهش پیش‌رو تلاش دارد تصویر کمابیش جامعی از تطور پوشش زنان در ایران پس‌انقلاب اسلامی با تمرکز بر ساختار زیبایی‌شناسانه آن فراهم نماید، ضمن اینکه این تصویر گزارشگر صرف رخدادها در عرصه ساختار شکلی پوشش و پوشاک زنان نخواهد بود؛ بلکه با تحلیل تطورات پوشش زنان در ادواری که ذکر شد می‌کوشد دریابد که پوشاک زنان چه نسبتی با اوضاع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... داشته و به چه میزان از آنها تأثیر پذیرفته یا بر آنها تأثیر گذاشته است. این نتایج نه‌تنها برای تحقق سیاست‌گذاری‌های آتی و واقع‌گرایانه درباره لباس و پوشش زنان مفید خواهد بود؛ بلکه نشان می‌دهد با توجه به جایگاه اجتماعی تأثیرگذار زنان در جامعه، شناخت الزامات و اقتضات جنسیتی آنان - و در اینجا نوع لباس آنها - از چه اهمیت بنیادینی در وضعیت ارزش‌های نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه برخوردار است.

در این پژوهش روش تحلیل گفتمان را برای مطالعه در موضوع برگزیدیم و چون گفتمان پدیده‌ای تاریخمند است، برای ورود به گفتمان‌های پساانقلاب اسلامی در فصل اول، تطور زیبایی‌شناسی پوشاک زنان در مواجهه با گفتمان‌های سیاسی حاکم از صفویه تا پایان حکومت پهلوی، مطالعه و تبیین شده است. با این مقدمه، تلاش شد با تحلیل گفتمان‌های هر دوره حول محور پوشاک، تأثیر عناصر گفتمانی و نوع کارکرد آنها بر شکل و زیبایی‌شناسی پوشاک - به‌عنوان دال مرکزی هر گفتمان در این پژوهش - شناخته شود و نتایج حاصل مشتمل بر انواع پوشاک زنان و نیز پوشش اسلامی آنها، تبیین و تشریح شود. به‌عنوان بستر تحلیل، لباس‌های هر دوره شامل سرجامه‌ها و تن‌جامه‌ها شناسایی شده‌اند و برای این شناسایی به متون کلامی و تصویری مراجعه شده است. منظور از متون کلامی، متن‌های نوشتاری همچون «سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و تألیفات» است و متون تصویری نیز «فیلم‌ها و عکس‌های کتاب‌ها و مجلات» را دربرمی‌گیرد. در خاتمه نیز در فصل هشتم، نتایج پژوهش حاصل از مقایسه تطبیقی گفتمان‌های هر شش دوره حول محور زیبایی‌شناسی پوشاک زنان ارائه شده است.

بر خود لازم می‌دانم از حمایت پژوهشگاه محترم فرهنگ، هنر و ارتباطات تشکر کنم که انجام و انتشار این پژوهش بدون حمایت آن ممکن نبود. همچنین از همهٔ مراکز و پژوهشگرانی که محقق را در دست‌یابی به اسناد یاری نمودند، سپاسگزارم. این پژوهش یکی از نخستین گام‌های برداشته‌شده در این عرصهٔ فراخ است و حل مسئله مطرح‌شده در آن، مساعدت و همت عالمانهٔ جامعهٔ پژوهشگران و هنرمندان و نویسندگان و سپس ملازمت متولیان امر را می‌طلبد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

سیده راضیه یاسینی

دی ۱۳۹۷



تمرکز بر حدود ظاهری پوشش اسلامی زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با هدف تحقق شخصیت «زن آرمانی»، موجب شد در سیاستگذاری پوشش زنان، وجوه زیباشناسانه و کارکردی پوشاک متناسب با جامعه چندفرهنگی امروز ایران، تحت الشعاع قرار گیرد.

مطالعه تغییرات زیباشناختی پوشش زنان در ۴ دهه اخیر، محور پژوهش در این کتاب است. نویسنده با تحلیل تطورات پوشش زنان در شش دوره «گذار انقلابی»، «ارزش‌گرایی»، «سازندگی»، «اصلاح‌طلبی»، «اصول‌گرایی» و «اعتدال‌گرایی» نشان می‌دهد که تغییرات زیباشناختی پوشاک زنان در نسبت با گفتمان‌های حاکم در هر دوره بوده و از آنها تأثیر پذیرفته است. در عین حال، کردارهای گفتمان رقیب نیز به وضوح بر دگرگونی نوع پوشش زنان موثر بوده است.

در این کتاب، با تحلیل ویژگی‌های پوشش اجتماع، تصویر نسبتاً جامعی از سیر تطوّر ساختار زیبایی‌شناسانه پوشش زنان فراهم آمده تا مبین چگونگی تأثیرگذاری سیاست‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی بر پوشش زنان باشد.

